

بررسی تطبیقی منسوجات ایران دوره ایلخانی و منسوجات ایتالیا در قرون هفتم و هشتم هجری قمری/ سیزدهم و چهاردهم میلادی (از منظر طراحی نقش)*

فریناز فربود**^۱، دکتر محمد خزایی^۲، دکتر زهرا رهنورد^۳

دانشجوی دکتری پژوهش هنر، دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

دانشیار گروه گرافیک، دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

استاد گروه مطالعات عالی هنر، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۸۷/۴/۱، تاریخ پذیرش نهایی: ۸۷/۵/۵)

چکیده:

پیرامون نحوه و میزان تأثیر گذاری هنر نساجی ایران بر اروپا، نظریات گوناگونی از سوی پژوهشگران ابراز شده است. در بسیاری پژوهش‌ها تأثیر صنعت نساجی دوره ساسانی بر نقوش منسوجات امپراطوری بیزانس و بسط یافتن آنها در اروپا از همان راه به اثبات رسیده است. با این وجود درباره تأثیرات هنر دوره اسلامی ایران بر اروپا اتفاق نظر چندانی وجود ندارد و بسیاری عقیده دارند که تأثیرات نساجی ایران بر اروپا از حد نقوش دوره ساسانی فراتر نمی‌رود. این مقاله با روش تطبیقی و با هدف جستجوی این تأثیر پذیری در زمینه نقوش، مضامین و ترکیب بندی نشان داده است، با وجود سیطره طولانی مدت نقوش ساسانی بر طراحی نقوش منسوجات ایران و اروپا، در دوره ایلخانی ایران، به واسطه تغییر ارتباطات و مناسبات تجاری سرزمین‌های غربی ممالک اسلامی و اروپا، به ویژه ایتالیا (که در این دوره دروازه تجارت منسوجات، میان شرق و اروپا محسوب می‌شود) منسوجات ایتالیایی در این دوره (از اواسط قرن سیزدهم میلادی تا قبل از طلوع رنسانس) از سبک اولیه خود، یعنی دوره بافت ابریشم‌های سیسیل منشعب از هنر ساسانی و اسلامی مصر فاصله گرفته و تحت تأثیر پارچه‌های وارداتی از ایران تحت سیطره ایلخانان قرار گرفته‌اند و این تأثیر پذیری تا طلوع رنسانس حفظ شده است.

واژه‌های کلیدی:

ایران دوره ایلخانی، ایتالیای قرن ۱۳ و ۱۴ میلادی، منسوجات ابریشمی، نقش.

* مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری نگارنده با عنوان [بررسی پیامدها و تأثیرات انقلاب صنعتی اروپا بر هنر - صنعت نساجی ایران دوران قاجار از منظر طراحی نقش] می‌باشد.

** نویسنده مسئول: تلفن / نمابر: ۰۲۱-۸۸۰۰۸۰۹۰، E-mail: Farinaz.Farbod@gmail.com

مقدمه

بررسی مناسبات تجاری میان ایران و ممالک اسلامی با اروپا، به ویژه ایتالیا، در قرون اولیه اسلامی، معادل با سده های میانه اروپا تا انتهای دوره ایران ایلخانی، بپردازد. هدف از آن آرایه بستر تاریخی، بررسی تغییرات روی داده در سیاست خارجی این کشورها و تشریح روابط تجاری ایتالیا و سرزمین های اسلامی غربی و ایلخانان است.

در مرحله دوم با مبنا قرار دادن دو دوره ایلخانی ایران، در حدفاصل ۶۵۰ تا ۷۳۶ هـ. ق. (۱۲۳۵-۱۲۵۱ م.) و دوره همزمان در ایتالیا، سعی بر بررسی تطبیقی نحوه تأثیرپذیری منسوجات ایتالیایی از منسوجات ایرانی هم دوره خود بوده است.

به منظور درک ویژگی های خاص منسوجات این دوره، در ایران بررسی اجمالی منسوجات ایلخانی و تمایز آنها در زمینه نقوش، مضامین و ترکیب بندی با دوره های آل بویه و سلجوقی و در ایتالیا نیز به بررسی دوره دوم بافت ابریشم ایتالیا و تمایز آن با دوره آغازین بافت ابریشم در اروپا، در پالرمو و سیسیل، پرداخته شده است. از آنجا که این دوره طراحی پارچه اروپا تنها با رنسانس متحول می گردد؛ تمامی دوره میانه قرن سیزدهم تا طلوع رنسانس مورد توجه قرار گرفته تا تأثیر نساجی ایلخانی بر آثار پس از خود نیز بررسی گردد.

در انتها منسوجات مذکور از بُعد نقش مایه ها و مضامین و ترکیب بندی گوناگون مورد بررسی و تحلیل تطبیقی قرار گرفته اند تا مؤلفه های تأثیرپذیری هنر نساجی ایتالیا از ایران ایلخانی مشخص گردد.

بنیاد بررسی مقاله حاضر بر پیش فرض یافته شده از سوی دیگر پژوهشگران مبنی بر تأثیرپذیری نقوش نساجی اروپا از هنر نساجی ایران دوران ساسانی نهاده شده است. در این پژوهش ها دلایل متعددی در مورد تأثیرگذاری هنر نساجی ایران بر بیزانس آورده شده که به اجمال می توان به آوازه منسوجات ایرانی در دیگر ممالک، سفرهای هنگام صلح و تبادل هدایا میان امپراطوری ها، (کوروز و یارشاطر، ۱۳۸۰، ۶۸۹-۶۷۳)، نقش ایران در تجارت ابریشم خام و بافته و تأثیرپذیری شدید مراکز طراحی منسوجات روم در سوریه و شهر انطاکیه از بافته های ایرانی (گیرشمن، ۱۳۵۰، ۲۲۶) و جنگ ها که طی آن منسوجات و به ویژه ابریشم جزو غنایم بسیار مهم جنگی تلقی می شد (Pope, 1960, 691) و از دیگر سو، تحولاتی از قبیل سخت گیری های مذهبی در ایران و مهاجرت مسیحیان به کنستانتینوپول و رواج استفاده از منسوجات در مناسک مذهبی، تزیین کلیساها، دیوارپوش ها و کفن مردگان و پدید آمدن جنبش شمایل شکنان که با منع بازنمایی قدیسان موجب توجه به نقوش گیاهی و جانوری موجود در پارچه های ساسانی گردید؛ اشاره نمود. تداوم هنر نساجی ساسانی پس از ظهور اسلام و بسط روابط اعراب و اروپا موجب زنده ماندن این هنر گردید. با قطعیت می توان گفت که نقوش پارچه ها، مضامین و شیوه های ترکیب بندی نقوش بیزانس متأثر از ساسانی و تداوم این ترکیب بندی ها تا اواسط سده های میانه میلادی نیز ادامه داشته است (فریود و پورجعفر، ۱۳۸۶، ۷۴). با توجه به این پیشینه، مقاله حاضر قصد دارد در مرحله اول، به

ایران عصر ایلخانان

اشتغال در دستگاه ایلخانان موجب آشنایی آنان با اسلام و رسوم ایرانی شد (بنی احمد، ۱۳۴۶، ۱۲۰). پس از مرگ هلاکو و در دوره آباقخان تغییری در سیاست مغولان روی نداد، اما در زمان تگودار که اولین ایلخانی بود که اسلام را پذیرفت؛ تلاشی برای برقراری ارتباط با بقیه جهان اسلام صورت گرفت (پیگولوسکیا و دیگران، ۱۳۵۴، ۳۵۲-۳۵۳). اما اعقاب او ارغون خان و گیخاتو راه وی را ادامه ندادند.

در سال ۶۹۵ هـ. ق. / ۱۲۹۵ م. غازان خان اسلام آورد و به مأموران عالی مقام و روحانیان نزدیک شد. او اصلاحات بسیاری به عمل آورد و اسلام بار دیگر دین رسمی حکومت گردید و دوران پیشرفت سریع اقتصادی، ناشی از اصلاحات غازان آغاز شد (پطروشفسکی، ۱۳۸۵، ۴۵۵). در این دوره رشید الدین فضل الله همدانی به وزارت

ایلخانان مغول از ۶۵۰ هـ. ق. / ۱۲۵۱ م. تا ۷۳۶ هـ. ق. / ۱۳۳۵ م. بر ایران حکومت نمودند. نخستین تهاجم مغول در سال ۶۱۶ هـ. ق. / ۱۲۲۰ م. بخش های شمالی ایران را تحت سلطه در آورد. اوگتای جانشین چنگیز خان، فتح ایران را کامل نمود (شراتو، گروبه، ۱۳۸۴، ۳). منگوقاآن، نوه چنگیز و خان بزرگ مغولان در چین، سال ۶۵۱ هـ. ق. / ۱۲۵۳ م. برادر خود هلاکو را با سپاهی برای سرکوبی اسماعیلیه و عباسیان روانه کرد.

در سال ۶۵۶ هـ. ق. / ۱۲۵۸ م. با فتح بغداد، دوره استقرار رسمی مغولان در ایران شروع شد و هلاکو لقب اولین ایلخان^۱ را دریافت نمود (بلر و بلوم، ۱۳۸۱، ۱۳) او افراد مورد نیاز خود را با سیاست مدارای مذهبی جذب می کرد؛ که از جمله این افراد، می توان از خواجه شمس الدین محمد (صاحب دیوان جوینی) نام برد. خاندان جوینی با

شهرهای شمالی ایتالیا، تجارت و دارایی آنها افزایش یافت. با شیوع طاعون، این رشد کاهش یافت؛ اما در قرن چهاردهم بار دیگر به رشد اقتصادی خود ادامه دادند و فصلی جدید در تاریخ ایتالیا گشودند. در نیمه دوم قرن ۱۴ و قرن ۱۵ م. فرهنگ ایتالیا به واسطه رنسانس دگرگون شد (Lambert, 2002).

مناسبات سیاسی و تجاری میان ممالک اسلامی و اروپا، با تأکید بر ایران و ایتالیا

یکی از ویژگی‌های دوره مغول شکوفایی روابط میان اروپا و ایران بود. ارتباط میان دربارهای مغول و ممالک غربی افزایش یافت و آنها با پیشنهاد مساعدت به اروپا در مقابله با مملوکیان، سفرایی را به دربارهای اروپایی فرستادند. در این زمان تولیدات و مصنوعات شرقی از ایران به اروپا راه یافت.

ارتباط میان آسیا و اروپا از طریق دو مسیر عمده دریایی و خشکی صورت می‌گرفت. مسیر دریایی از مدیترانه می‌گذشت و تحت تسلط و کنترل اعراب بود. آنها جریان تبادل تولیدات و انتقال ابریشم و مواد خام را ممکن می‌ساختند. از قرن ۸ میلادی به بعد نیز، فرمانداران مسلمان سوریه و مصر، منتهی‌الیه غربی مسیرهای کاروانی دمشق و اسکندریه، ایران، عراق و عربستان، دریای سرخ، خلیج فارس و اقیانوس هند را در اختیار داشتند (Mack, 2002, 15).

اولین برخورد میان اروپاییان و مسلمانان، در نتیجه نفوذ نظامی مسلمانان به اروپا روی می‌دهد. حمله عبدالرحمان به اسپانیا و کوردوا و تشکیل اسپانیای مسلمان و حضور آنان در جنوب ایتالیا و سیسیل را باید اولین ارتباط میان اسلام و اروپا دانست (دونان و دیگران، ۱۳۸۳، ۳۱۹-۳۱۴). اما جنگ‌های صلیبی ارتباط میان شرق و غرب را دگرگون ساخت و طی آن تأثیر فرهنگی شرق بر غرب آغاز شد. دو سده تماس با شرق، منجر به رسوخ تجمل مشرق زمین در میان صلیبیون شد. گرایش به تقلید از شرق به اندازه‌ای بود که در سال ۱۱۹۰ م. فیلیپ آگوست پادشاه فرانسه مصرف سمور و سقرلا^۲ را برای نجبا منع و روحانیون دیر سینو، مصرف ابریشم را در کلیساهای خود ممنوع ساختند. اروپاییان در طی جنگ‌های صلیبی اقدام به برپایی مراکز تجاری در تریپولی^۳، اورشلیم، آلیپو^۴ و دمشق نمودند. در این دوره، فعالیت تجاری در دست ونیزیان، جنواییان و پیزیایی‌ها بود و به واسطه جنگ‌های صلیبی توانسته بودند با کمک به شهسواران صلیبی درگیر در جنگ و نقل و انتقالات دریایی به برخی امتیازات تجاری در بنادر تسخیر شده دست یابند (بولنوا، ۱۳۸۳، ۲۶۸).

بازرگانان کاتالونیایی^۵، ونیزی^۶، جنوایی^۷، اهل پیزا^۸، و فرانسویان در شهرهای فتح شده به فعالیت پرداخته و بسیاری از ملل اروپایی، سفرایی را به دربار حکام مسلمان و بنادر مهم می‌فرستادند تا پیرامون روابط تجاری با آنها مذاکره نمایند. ونیز مهم‌ترین مرکز تجارت بود و از آنجا انواع ابریشم، ابریشم خام، سرامیک، شیشه، ظروف فلزی و ... وارد اروپا می‌شد. تجارت ابریشم بزرگ‌ترین و پر رونق‌ترین تجارت بود؛ در نتیجه بسیاری از تاجران مقیم در ممالک

رسید و اصلاحات زیادی در زمینه اقتصادی و اجتماعی انجام داد (پیگولوسکایا و دیگران، ۱۳۵۴، ۳۷۳).

ایلخان بعدی اولجایتو به واسطه قبول مذهب شیعه به خدابنده ملقب و شهر سلطانیه را بنیان نهاد و با استقرار هنرمندان و صنعتگران، آن را به یک مکان مهم تجاری بدل ساخت.

در دوره پسر او، ابوسعید بهادر، اختلاف بین سران دولت و قتل بسیاری از وزرا و امرای ایرانی موجب تزلزل دولت شد. پس از وفات او سلسله ایلخانی رو به ضعف نهاد و در نهایت، در ۷۵۶ ه. ق. / ۱۳۵۵ م. به طور کامل منقرض گردید (بنی‌احمد، ۱۳۴۶، ۱۲۲).

ایتالیای قرون سیزدهم و چهاردهم میلادی

ایتالیای پس از سقوط امپراطوری روم، سال‌ها صحنه انتقال قدرت میان روم شرقی و غربی و پس از آن، صحنه رقابت میان پاپ‌ها و فرمانروایان ایالات گوناگون بود و کشوری واحد به شمار نمی‌آمد. در قرون هفتم و هشتم میلادی با تغییر مناسبات میان شارلمانی و پاپ‌ها، برای مدت‌ها او امپراطوری آلمان و ایتالیا را در دست داشت. نیمه دوم قرن دهم میلادی را باید آغاز احیای مجدد ایتالیا و پایان یافتن اغتشاش دوران کارولنژی متأخر دانست (Lambert, 2002). در طول قرن نهم میلادی، بخشی از ایتالیا تحت حمله مجارها و سیسیل در چنگ مسلمانان و حتی رم نیز در معرض تهدید آنها بود. در شمال نیز تنها خانواده‌های لمباردی بودند که تعدادی زمین‌دار در حال رقابت، برای دست‌یافتن به سرزمین‌های کارولنژی محسوب می‌شدند. قسمت جنوبی شبه جزیره نیز تحت سیطره حکام محلی بود. در طی قرن دهم میلادی، حکومت پاپی در دستان انجمن‌های آریستوکرات می‌افتاد؛ ولی در همین زمان جنوا، ونیز و پیزا کوشیدند تا با کمک یکدیگر یک تجارت محلی و بین‌المللی را سر و سامان دهند. در این دوره که به امپراطوری اتونی مشهور است، نوعی اعتماد نسبت به حکومت اشرافی متحد پیش آمد و تعداد خانواده‌های نجیب‌زاده به عنوان نتیجه این عمل رو به تزاید گذاشت. این خانواده‌ها باعث وحدت بیشتر ایتالیا شدند. این امر به رونق شهرها و احیای تجارت کمک زیادی نمود. در این دوره، مسأله وحدت ایتالیا نه برای افراد پاپ که برای کلیسا اهمیت یافت (Britannica Encyclopedia). در طی قرن یازدهم میلادی، نورمن‌ها کنترل جنوب ایتالیا را به دست گرفتند و در ۱۰۹۱ م. سیسیل را فتح و در قرن ۱۲ م. ایالتی قوی را در جنوب ایتالیا بنیان نهادند. در طی این دوره چندین دولت‌شهر ظهور نمود و در قرون ۱۱ و ۱۲ م. با رشد تجارت در دریای مدیترانه این کشورها غنی‌تر و مهم‌تر شدند. پاره‌پارگی ایتالیا، جمهوری‌های تجارتی پدید آورد؛ ونیز، جنوا و پیزا مناطق بی‌طرف و بی‌طرفی آنها بنیان قدرت و نفوذشان بود. با وجود اینکه در قرون ۱۱ و ۱۲ م. نورمن‌ها از بدل شدن این شهرها به مناطق مستقل جلوگیری می‌کردند؛ اما این شهرها بودند که ایتالیا را به عنوان بخش ماهوی قاره اروپای سده‌های ۱۲ و ۱۳ میلادی، در آوردند (دونان و دیگران، ۱۳۸۳، ۳۶۶). با افزایش جمعیت

بازرگانی با سرزمین‌های مسیحی و اروپایی بود. در این دوره سدی که مدت‌های طولانی میان ایران، ممالک اسلامی و غرب حایل بود در هم شکسته شد (لکهارت، ۱۳۸۴، ۱۸۱).^{۱۱}

در این میان، خاندان‌های بزرگ مغول، نفع خویش را در حمایت از شرکت‌های بزرگ تجاری مسلمانان به نام [اورتاق] می‌دیدند.^{۱۲} اشرافیت فئودال از این شرکت‌ها حمایت و در آنها سرمایه‌گذاری می‌کردند. کار این شرکت‌ها تجارت کلان بین‌المللی و نیز خرید و فروش منسوجات گرانبها بود (پتروشفسکی، ۱۳۸۵، ۴۸۲). با وجود ضربه‌های شدید وارد شده بر پیکره صنعت نساجی و ابریشم‌بافی ایران در ابتدای حمله مغول، آنها به گسترش کارگاه‌های بافت ابریشم در تمامی مملکت خود پرداختند.

آباقاخان پس از جانشینی هلاکو تصمیم به فتح شام و مصر گرفت و از این‌رو با فرستادن افرادی نزد پاپ کلمان چهارم، از او و جهان مسیحیت تقاضای کمک نمود. اما در همین اثنا، غرب تغییر رویه داده و سیاست جنگ و توسعه ارضی و همراهی با مغولان را کنار گذاشته و راه بازرگانی و دستیابی به بازارهای جهانی را در دستور کار خود قرار داده بود. آنان علیرغم ادامه جنگ‌های صلیبی، برای دستیابی به بازارهای بین‌المللی چندان قصد نداشتند که ممالک قدرتمند مسلمان در مدیترانه و مغولان را برنجانند، بلکه در صد آن بر آمدند تا با ایشان طرح دوستی بریزند و روابط بازرگانی ایجاد کنند. در پی آن، پایگاه‌های تجاری و کلنی‌های بازرگانان خارجی در ایران، به‌ویژه در آذربایجان که دروازه غرب محسوب می‌شد، تأسیس گردیدند (بیانی، ۱۳۷۹، ۳۰۳-۳۰۰).

در دوران احمد تگودار، به واسطه گرایش او به اسلام، روابط میان مملوکیان و دیگر بخش‌های جهان اسلام و از جمله ایلیخان مغول فزونی یافت و توسط ایلیخان تگودار احمد^{۱۳}، منسوجات و لباس‌های زربفت گرانبهایی که در تبریز تولید می‌شد، به عنوان هدایای سیاسی برای سلطان مملوکیان فرستاده شد (Komaroff, Carmony, 1998, 184). با مرگ او دوباره اوضاع به حال سابق بازگشت و فرزندش ارغون توانست توجه جهان مسیحیت را جلب و با واتیکان و دول فرانسه و انگلیس نوعی قرارداد اتحاد ضد مصر و شام منعقد نماید (بیانی، ۱۳۷۹، ۳۲۰).

با وجود آغاز بافت ابریشم در ایتالیا، هنوز ابریشم ایران و آسیای مرکزی خواهان فراوانی داشت. بدین ترتیب در حفاصل ۱۳۰۵ م. تا ۱۳۱۳ م. تجارت ایتالیا از سمت مدیترانه شرقی به سمت دریای سیاه و ایران منتقل شد. تا قبل از تصرف آياس^{۱۴} توسط مملوکیان و جدا نمودن آن از ارمنستان، این شهر مکانی برای انتقال تولیدات تبریز و نواحی خزر و آناتولی شرقی به اروپا بود. در بخش شرقی دریای سیاه، یک بندر تجاری مهم دیگر به نام طرابوزان^{۱۵} قرار داشت که بارهای تجاری تبریز را تا سال ۱۳۴۱ م. به اروپا منتقل می‌ساخت (Mack, 2002, 16-17). در حدود ۱۲۶۰ م. نخستین تجارتخانه‌های ایتالیایی در تبریز گشایش یافتند. در ۱۳۳۰ م. و پس از صلح ایلیخانان و مملوکیان یک مسیر تجاری میان تبریز و ایتالیا برقرار گردید که از آياس و آناتولی می‌گذشت

فتح شده به تولید پارچه ابریشمی روی آوردند و به کمک کارگران محلی پارچه‌هایی را با مضامین مسیحی تولید می‌کردند (Mack, 2002, 15).

تا دوره خوارزمشاهیان اطلاع چندانی از ارتباط میان ایران پس از اسلام و اروپا در دست نیست. اما مقارن با حکومت مملوکیان و پس از تسخیر سرزمین خوارزمشاهیان توسط مغولان تحولات مهمی رخ داد. اولین برخورد اروپا و مغولان، در دوره تولوی و با هجوم و اشغال بخش‌های جنوبی روسیه تا مجارستان آغاز شد؛ اما اکتای قاآن، از ادامه تصرف اروپا منصرف شد. در این دوره پاپ اینوسان چهارم، از دربارهای اروپایی خواست که به جنگ با مغولان بپردازند، ولی غالب رهبران اروپایی قصد داشتند تا در برابر مسلمانان با مغولان همراه شوند (هال، ۱۳۸۴، ۱۰۰-۹۷). مغولان در صدد بودند با تکیه بر اریکه قدرت در بغداد، جهان اسلام را تحت نفوذ خود در آورند و مسیحیان آسیای صغیر و مسیحیان ساکن در دربار قراقرم نیز آنها را به این مهم تشویق می‌کردند (بیانی، ۱۳۷۹، ۲۸۱). مغولان در دوره هلاکو تا حدود مصر نیز پیش رفتند، اما به دلایل گوناگون از جمله مسایل داخلی و مقاومت‌ها، این امر نهایی نگردید. این امر و اطمینان دادن هلاکو به پاپ الکساندر چهاردهم، مبنی بر حمایت از کلیساهای قلمرو خود، آنها را به یکدیگر نزدیک‌تر ساخت. همزمان با این امر، مصر به تحریک فرمانروایان ایرانی ایالات برای اعلام استقلال می‌پرداخت. مقابله مغولان موجب کاهش ارتباط میان ایران و دیگر ممالک اسلامی گردید (بیانی، ۱۳۷۹، ۳۰۱-۲۹۸).

مملوکیان پس از به قدرت رسیدن، به گسترش تجارت با ممالک اروپایی پرداختند. در این دوره حکومت‌های بزرگ مسیحی چندان به جنگ‌های صلیبی نمی‌اندیشیدند و روابط تجاری به تدریج رونق می‌گرفت. ونیزی‌ها و جنوایی‌ها قدرت تجاری را در دست داشتند و ونیزی‌ها علیرغم میل پاپ در مصر، کلنی‌هایی را ایجاد کرده بودند (بیانی، ۱۳۷۹، ۳۲۱-۳۲۰). در این دوره خود جنگ‌های صلیبی و ضدیت‌های سیاسی و مذهبی تحت تأثیر رونق تجاری موجود به فراموشی سپرده شد. این امر در نهایت موجب شد پاپ نیکلای چهارم^{۱۶} تجارت با سرزمین‌های اسلامی از جمله مملوکیان را ممنوع سازد (Amitai-Preiss, 1995, 103). در این زمان تجارت اروپایی‌ها با مصر و سوریه به‌طور جدی منع می‌شد، اما هیچگاه متوقف نشد. اما با تأکید مجدد پاپ بر تحریم تجارت و منع آن از سوی سنا، برای بیست و پنج سال ارتباط اروپا با سوریه و مصر قطع شد (Mack, 2002, 16). در حفاصل ۱۲۴۰ م. تا ۱۳۶۰ م. سلطه مغول، فرصت‌های جدیدی را برای تجارت میان شرق و غرب به وجود آورد. در تمامی دوره جنگ‌های صلیبی و مبادله تجاری با مملوکیان، حوزه نفوذ تاجران مسیحی از سرزمین‌های اسلامی اشغال شده توسط مسیحیان فراتر نرفت. اما مغول‌ها در مدت زمانی کمتر از یک قرن در چین و مناطق فتح شده، یک شبکه تجارت آسیایی و اروپایی به راه انداختند. شاخصه مهم دوران سلطه مغول‌ها بر ایران، ایجاد مناسبات سیاسی، مذهبی و بسط مناسبات

به بدل شدن آنها به حاملان تغییرات هنری گردید. این امر به حدی پیشرفت که آنها در میان مغولان، تمدن اسلامی و فرهنگ اروپایی معانی و مفاهیم معادلی یافتند (Mack, 2002, 27).

منسوجات دوران ایلخانی

به منظور درک ویژگی‌های خاص منسوجات ایلخانی و درک تفاوت‌های آن نسبت به منسوجات پیشین که ضمن نمایش تداوم سنت‌های هنری ایران در منسوجات، ویژگی‌های خاص این دوره را برای بررسی‌های آتی روشن می‌سازد، ابتدا مختصری از منسوجات پیش از ایلخانی و سپس منسوجات این دوره معرفی شده‌اند.

منسوجات ایران، پیش از ایلخانان

در قرون اولیه اسلامی علیرغم نوآوری‌هایی در زمینه استفاده از خط در منسوجات^{۱۶}، صنعت نساجی دنباله‌روی سنت ساسانی بود.

به سبب پیشرفت‌های فرهنگی و اقتصادی در دوران آل بویه (۲۵۰ - ۴۲۰ ه.ق)، صنعت نساجی نیز متحول شد و سبک خود را پیدا نمود و علاوه بر ادامه نقوش ساسانی، استفاده از خط، تمثیل‌ها و کنایات مذهبی و غیر مذهبی، ظهور ترکیب بندی‌های هندسی و گاه بدون کادر و خطی و نیز نقش چند حیوان یا پرند (به ویژه طاووس و عقاب) رو به سوی مرکز مدالیون معمول شد.

در این میان، سلجوقیان دارای جایگاهی ویژه هستند (اتینگهاوزن و گرابر، ۱۳۷۸، ۵۰۵)؛ در طرح بافته‌ها علاوه بر ادامه یافتن سنت‌های پیشین، استفاده از خط در جداره مدالیون‌های هندسی و چند ضلعی، ترنجی و تزیینات معماری و پیکره‌های حکایتگر داستان‌های مذهبی - اساطیری به طرح بافته‌ها و استفاده از تقارن مرکزی از نوآوری‌های سلجوقیان در طراحی منسوجات محسوب می‌شوند. از دیدگاه ج. الگروو مکداول تزیینات فرعی با تراکم عناصر ریز نقش و ظریف، شاخه‌های طوماری، پیچک‌ها و برگ نخلی‌های ملهم از گلنقش‌های چینی پرکننده تمام سطح، از ویژگی‌های این دوره است (مکداول، ۱۳۷۴، ۱۵۸). در منسوجات دوره سلجوقی غالباً تنها دو رنگ وجود دارد (الوند، ۱۳۵۲، ۱۱۲).

منسوجات ایلخانی

تاریخ اجتماعی و اقتصادی مغول را می‌توان به سه دوره کلی تقسیم نمود. مهم‌ترین دوره حدفاصل حکومت غازان تا مرگ ابوسعید که در آن تحولات بسیار مهمی در زمینه تولید و بافت منسوجات روی داده‌است.

اولین این تحولات، رونق دوباره کشاورزی و تولید مواد خام است. بر خلاف دیگر رشته‌های کشاورزی در رابطه با منسوجات، پرورش کرم ابریشم در نیمه دوم سده هفتم و

۱۲۶۰ م. به تجارت در تبریز مشغول بودند و در طی دهه ۱۳۲۰ م. ونیز یک کنسول در تبریز داشت (Mack, 2002, 18). در همین زمان بازرگانان اروپایی متعددی به چین سفر کردند و این سفرها غالباً از مسیرهای دریایی یا زمینی و همواره با عبور از ایران دوره ایلخانی همراه بود (هال، ۱۳۸۴، ۱۱۸).

در دوره سلطنت گیخاتو راه‌های بازرگانی میان ایران و اروپا توسط مصر و شام مسدود شد و در نتیجه بازرگانان ایتالیایی یک خط کشتیرانی در دریای خزر ایجاد کردند تا ابریشم مرغوب گیلان را که هنوز منطقه‌ای خارج از کنترل ایلخانان بود به اروپا برسانند (بیانی، ۱۳۷۹، ۳۲۳-۳۲۲). علیرغم توسعه صنعت ابریشم در ایتالیا، بافندگان لوکا هنوز قادر نبودند منسوجاتی به تنوع و کیفیت پارچه‌های شرقی ببافند و به ذخایر ابریشم خام ناحیه خزر که مرکز فروش آنها برای چندین دهه تبریز و در حدفاصل ۱۳۰۵ م. تا ۱۳۱۳ م. شهر سلطانیه بود، نیز نیاز داشتند. در تجارت با مغول، به واسطه حذف واسطه‌های عرب، سود مال‌التجاره‌های سبک و قابل حمل از جمله ابریشم از آسیا افزایش یافت (Mack, 2002, 16).

سازماندهی اقتصادی ایران با غازان آغاز و با ابوسعید پایان می‌یابد. در نتیجه این نگرش، کشاورزی رونق یافت و بازرگانی مورد حمایت قرار گرفت (پطروشفسکی، ۱۳۸۵، ۴۶۵).

در دوره پس از غازان، ایران راه ترانزیت بین‌المللی ابریشم را در دست داشت و به لحاظ فرهنگی، اندیشه و هنر بر اروپا تأثیر بسیار زیادی نهاد و گستره نفوذ سیاسی و اقتصادی خود را گسترش داد (بیانی، ۱۳۷۹، ۲۴۲-۲۳۸). در این دوره تجار و بازرگانان در تمامی امپراطوری سفر می‌کردند و زبان فارسی زبان مشترک و غالب مسیرهای تجاری منتهی به چین بود (سودآور، ۱۳۸۰، ۳۰ و ۲۹).

در دوران ابوسعید، ضمن پدید آمدن آرامش نسبی در تمامی مناطق تحت حکومت ایلخانان راه طرابوزان به ارمنستان صغیر مورد استفاده بازرگانان ایتالیایی قرار می‌گرفت (بنی‌احمد، ۱۳۴۶، ۱۲۲). پس از مرگ سلطان ابوسعید در ۱۳۳۶ م. تعداد گروه‌های تجاری خارجی فعال در ایران کاهش یافت (بیانی، ۱۳۷۹، ۳۵۷).

بررسی منسوجات ایران ایلخانی و ایتالیا از منظر طراحی نقش

در شرق و غرب، پوشیدن و نمایش منسوجات نفیس و گرانبها، نمایش اقتدار، درجه و نشانگر مقام‌های مذهبی و مرتبت در زندگی دنیوی بود. در رسم بین‌الملل، منسوجات به عنوان غنیمت جنگی و بزرگداشت یک شخص بوده و نقش و رنگ آن در هر فرهنگی، نماینگر معانی درون آن فرهنگ است. در دوران قرون وسطی، تقاضای جهانی برای منسوجات، منجر

بافندگان ماهر هرات و چین با یکدیگر کار می‌کردند و این امر موجب شد که الگوها و تکنیک‌های چینی و اسلامی با غنای بسیار زیادی با یکدیگر ترکیب شوند (Mack, 2002, 35).

در قرون هفتم و هشتم هجری، بر اثر بسط دامنه تجارت ایران با چین و آمدن بافندگان چینی به ایران، تأثیر سبک‌ها و روش‌های آنان افزایش یافت. به این ترتیب در نقوش منسوجات ایرانی، موضوعات تزئینی چینی، مانند اژدها، سیمرغ، گل‌های نیلوفر آبی و شقایق، چوب چلیپا شکل (فاوانیا) و ابرهای چینی (تشی) که منسوجات چین در دوره سلسله هان به آن معروف بودند، در پارچه‌های ایران مورد استفاده قرار گرفت. (محمد حسن، ۱۳۶۳، ۲۳۵) از موضوعاتی که در طراحی منسوجات دوره مغول دیده می‌شود؛ تزئین پارچه با نوارهای متعدد عمودی یا افقی است که معمولاً با خط نوشته و یا خطوط هندسی متقاطع و یا با ترکیبی از نقش‌های هندسی پر می‌شد. فیلیس اکرم، از نقوش اردک و سمندر^{۱۷} به عنوان یکی از موضوعات مشهور طرح منسوجات این دوره نام می‌برد (اکرم، ۱۳۶۳، ۱۰).

زکی محمد حسن، مهم‌ترین موضوع‌های تزئینی که در دوره مغول و تیموریان در منسوجات معمول شده را رسم آرابسک‌ها یا خطوط اسلیمی و نیز شکل‌های آجرهای کاشی می‌داند (محمد حسن، ۱۳۶۳، ۲۲۷).

یکی از فرم‌ها در دوره مغول استفاده از طرح هندسی حامل نقوش انسانی، گیاهی و هندسی است که در دوره سلجوقی نیز مورد استفاده بوده است و بر روی نقوش سفالینه‌های این دوران به وضوح قابل مشاهده‌اند (روح فر، ۱۳۸۴، ۱۴۶). ویژگی کلی پارچه‌های تاتار (مغولی) طراحی‌های پررنگ، واضح، منحنی، نواردار و دارای سازماندهی‌های متقارن بسیار پویا است که با اسلیمی‌ها و گل‌های طبیعی و حیوانات فانتزی و نوشته‌ها تکمیل شده‌اند.

منسوجات ایرانی دوره ایلخانی، به‌ویژه در انتهای این دوره را می‌توان یک بیان ایرانی شده و ظریف از طراحی‌های متقارن چینی دانست که در قالب ردیف‌هایی متناوب و با حیوانات سنتی اسلامی و اسلیمی‌های گلدار ترکیب شده‌اند (Mack, 2002, 38). که از مهم‌ترین نمونه‌های آن می‌توان به پارچه‌ای متعلق به ابوسعید اشاره کرد که دارای حواشی پهن تزئین یافته از شمشه‌های چندگوش است که با نقش طاووسان احاطه شده‌اند و نوار باریکی از نقشمایه‌های حیوانات دونده دارد که هرکدام کنار حاشیه‌ای کتیبه‌دار قرار گرفته‌اند. این قطعه به عنوان کفن رودولف، دوک هابسبورگ (فوت، ۱۳۶۵، ۷۶۷) به کار رفته بود. (بیکر، ۱۳۸۵، ۸۸) در این دوره بافندگان از مهارت طراحی خود اطلاع داشتند و می‌توانستند پیچیده‌ترین و ظریف‌ترین نقشه‌ها را ببافند. بافت پارچه‌های دورو و اطلس در کمال مهارت انجام می‌شد (الوند، ۱۳۵۲، ۱۱۲).

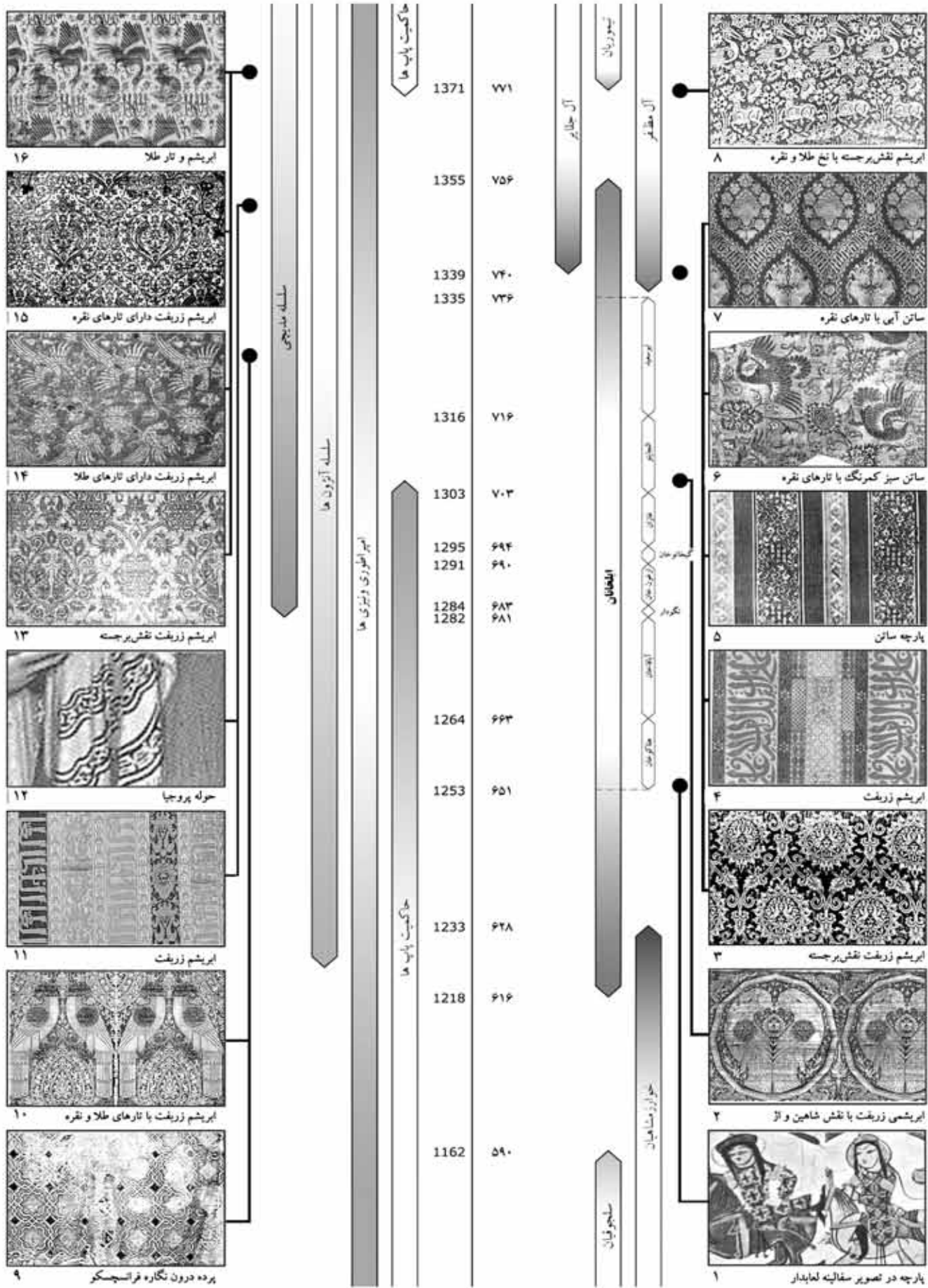
هشتم هجری، رونق و رواج بیشتری یافت. در این دوره در نواحی خوزستان، گناباد، خراسان و گیلان ابریشم‌بافی رایج می‌گردد و ایران دوباره به صادرکننده آن بدل می‌گردد (پطروشفسکی، ۱۳۸۵، ۴۷۵-۴۷۶).

دومین تغییر در این دوره، متعلق به بازسازی سازمان تولید کالا در امپراطوری مغول است. در سال‌های اخیر و با منتشر شدن آثار موجود در معابد تبت که غالباً هدایای فرمانروایان مغول هستند، اطلاعات جدیدی پیرامون وسعت زیاد مراکز بافت پارچه در امپراطوری مغول به دست آمده است (Mack, 2002, 28). علاقه مغولان به ابریشم و سود حاصل از آن موجب شد تا به سرعت مراکز تولید ابریشم را گسترش دهند. از این رو در دوره ایلخانی، مراکز قدیمی ابریشم بافی احیاء و پس از مدتی مراکز جدیدی در شهرهای تبریز، کاشان، یزد، کرمان و شهرهای خراسان، به‌ویژه نیشابور بنیان‌گذارده می‌شود (روح فر، ۱۳۸۴، ۱۴۵).

برخی شهرها مانند یزد و کاشان تولیداتی برای بازار بین‌المللی تولید می‌نمودند؛ و برخی شهرها مانند تبریز، مراغه، همدان، قزوین، اصفهان و... کارهای مربوط به صادرات را انجام می‌دادند. شهرهای بزرگی همچون اصفهان و تبریز یک مرکز بین‌المللی تجاری محسوب می‌شدند.






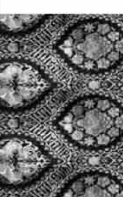
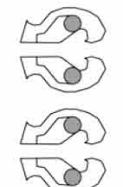


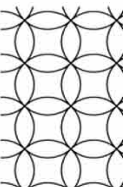











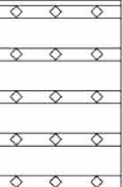

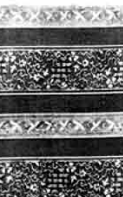
مارکوپولو در سفر معروفش به تبریز می‌نویسد که در آنجا انواع پارچه‌های ابریشمی و زری نفیس و گرانبها می‌دوزند و بازرگانان لاتین خاصه ژنو، برای خرید کالا به آنجا می‌آیند (سایکس، ۱۳۷۰، ۱۴۶). حتی خود مارکوپولو نیز نوعی پارچه ابریشمی ایرانی راه‌راه زرین را در ونیز رواج داد (بولنوا، ۱۳۸۲، ۲۸۰). در مکاتبات رشیدالدین فضل‌الله، از ابریشم تک رنگ تبریز و مخمل‌های رنگارنگ آن، پارچه‌های کتانی کازرون و پارچه‌های ابریشمی کاشان و هرات به عنوان اقلام صادراتی یاد می‌شود (پطروشفسکی، ۱۳۸۵، ۴۸۱-۴۸۲). در این دوره در یزد پارچه‌های ابریشمی بافته می‌شد که مورد توجه بازرگانان بود و در کرمان نیز کارگاه‌های ابریشم‌بافی و پشم‌بافی دایر بود که بر روی آنها دوخته دوزی طلا و ابریشم انجام می‌شد (میلیونه، ۱۳۶۳، ۵۷). در خراسان و شهرهای هرات و نیشابور، کارگاه‌های متعدد پارچه بافی دایر بود و پارچه‌های بسیار نفیس حریر در نیشابور و شیراز بافته می‌شد (روح فر، ۱۳۸۴، ۱۴۶). همچنین یکی از نمونه‌های پارچه‌های رواج یافته در ایران ایلخانی، پارچه‌های نقاشی شده تحت تأثیر هنر چین بود. همچنین تولید نقوشی که روی پارچه با قالب یا با موم اجرا می‌شد افزایش یافت (روح فر، ۱۳۸۰، ۳۱).

پارچه‌های مغول و ایلخانی، خود محصول یک تبادل بین‌فرهنگی بودند. مغولان با کوچاندن هنرمندان به دیگر سرزمین‌ها تحولی پدید آوردند. به‌عنوان مثال در مغولستان،



(ماخذ: نگارندگان)

جدول ۲- بررسی و تحلیل تطبیقی نقوش منسوجات ایران دوره ایلخانی و اروپای سده سیزدهم و چهاردهم میلادی.

دوره شاه	نوع تأثیرپذیری		نقش ماه	نقش پارچه ایتالیا		نقش پارچه ایلخانی	
	مضمون	ترکیببندی		نقش ماه	نقش پارچه ایتالیا	نقش پارچه ایلخانی	
	با جملات و مضامین شامل ادعیه و توصیف صاحب جامه‌هاست. در ابتدا این خطوط بصورت تکراری به دروازه دریاقت و به مرور با لاین جاگیرکننده	ترکیببندی کلن راوازه به دوره ایلخانی ملحق دارد ترکیب جلد و طرح ریش در ایران سابق و طراز دارد	پارچه مرکب از نقش ماهیهای جلد و نگاره‌های هندسی مثل آنها	اگرچه مرزوبوم به یک خوره ابریشم زربفت، قرن چهاردهم سلجوقی، ایتالیا، ماخذ: رسامیت موزه تورین		اگرچه ساق آبی با تارهای تیره، قرن هفتم هجری، ابریشم ۱۳ ماخذ: موزه تورین	
	مضامین کهن عاود چاه از جمله درخت زبانه‌گی مورد استفاده قرار گرفته‌است.	ترکیببندی بصورت یک انگلی مرکب از زنجیرهای توکثیر است. این انگلی در برخی از پارچه‌ها بصورت مضامین دیده می‌شود.	نقش درخت جوان در دو سوی درخت زبانه‌گی	اگرچه زربفت با تارهای طلا و نقره نیمه اول قرن چهاردهم سلجوقی، ماخذ: موزه تورین ۱۱ لاین		پارچه ساقی زربفت با نقش شاهین و ازدهان اول قرن هفتم هجری قمری، ماخذ: موزه تورین ۱۳ لاین	
	استفاده مستقیم از مضامین مهر ایران دیده می‌شود	ترکیببندی آسانی در دو سوی درخت زبانه‌گی یا در درون مدالیون	نقش ماه شاهین با شیوه مدالیون شیره شرقی و در قالب مدالیون و ترکیب با ازدهان ترسیم شده به شیوه چینی	بیشی از پرده درون گاه فرانسس پاپ را در حال عروج می‌بیند، اثر اسناد دانستان‌های فرانسس، اوایل قرن چهاردهم، ماخذ: موزه تورین ۱۱ لاین		پارچه ساقی سبز کمرنگ با تارهای تیره، قرن هفتم هجری، ماخذ: موزه تورین ۱۴ لاین	
	مضامین به نقوش مورد استفاده در درون سبکی دارد در این مورد تنوع بسیار زیادی دیده می‌شود.	از ترکیببندی مشابه متشکل از رنگ‌های متصل به یکدیگر که یادآور ترکیب های سابق نیز هست.	نقش هندسی که در درون خود نقوش سنتی را جای می‌دهد. در ایران نقوش حاصل سنت نیز وجود دارد.	اگرچه زربفت دارای تارهای طلا، ایتالیا، نیمه دوم قرن چهاردهم سلجوقی، ماخذ: موزه تورین ۱۳ لاین		پارچه ساقی سبز کمرنگ با تارهای تیره، قرن هفتم هجری، ماخذ: موزه تورین ۱۴ لاین	
	پارچه دارای مضامین اساطیری است. در ایران باستان مسیح به عنوان محافظ بر روی پارچه‌ها ترسیم می‌شد.	ترکیببندی مورب و قرار گرفته در درخت‌های انگی که قطعی آنها با نقوش گچی پر شده‌است.	نقوش حیوانی در دور مدالیون‌های احاطه شده توسط نقوش گچی که در درون ترکیب‌های گچی قرار گرفته‌اند	اگرچه زربفت نقش برجسته، ایتالیا، نیمه دوم قرن چهاردهم سلجوقی، ماخذ: موزه تورین ۱۱ لاین		اگرچه زربفت نقش برجسته، قرن هفتم هجری قمری، احتمالاً ایران، ماخذ: موزه تورین ۱۵ لاین	
	یکی از کمترین مضامین شرقی پیش اساطیره درخت زبانه‌گی مورد استفاده قرار گرفته‌است.	ترکیببندی زنجیر توکثیر که نسبت به نمونه‌های پیشین فضای طراحی بیشتری دارد.	نقوش حیوانی در دور مدالیون‌های احاطه شده توسط نقوش گچی که در درون ترکیب‌های گچی قرار گرفته‌اند	اگرچه زربفت نقش برجسته، ایتالیا، نیمه دوم قرن چهاردهم سلجوقی، ماخذ: موزه تورین ۱۱ لاین		اگرچه زربفت نقش برجسته، قرن هفتم هجری قمری، احتمالاً ایران، ماخذ: موزه تورین ۱۵ لاین	
	مضامین اساطیری نقش مشخص است. اما بطور عام پرده، نماد برکت و خوش‌بختی است.	ترکیببندی ردیف نقش‌های مشابه که نسبت به یکدیگر در انتظام مورب قرار گرفته‌اند.	نقوش حیوانی در دور مدالیون‌های احاطه شده توسط نقوش گچی که در درون ترکیب‌های گچی قرار گرفته‌اند	اگرچه زربفت نقش برجسته، ایتالیا، نیمه دوم قرن چهاردهم سلجوقی، ماخذ: موزه تورین ۱۱ لاین		اگرچه زربفت نقش برجسته، قرن هفتم هجری قمری، احتمالاً ایران، ماخذ: موزه تورین ۱۵ لاین	
	فقط مضامین اساطیری می‌باشد.	ترکیببندی زاویه‌دار متشکل از نقوش هندسی و زاویه‌دار	استفاده از زاویه‌دار عالی برای دوری شده به دوره ایلخانی ملحق دارد.	اگرچه زربفت نقش برجسته، ایتالیا، قرن چهاردهم، انگلیس، یافته در تابلوی تولد مریم، اگرچه از خیزش‌های ماخذ: موزه تورین ۱۱ لاین		پارچه ساقی، قرن هفتم هجری، ملون با تارهای تیره، ماخذ: موزه تورین ۱۳ لاین	

(ماخذ: نگارندگان)

اعراب باز پس گرفته بود؛ در ضمن جنگ با مسلمانان با الگو برداری از پادشاهان ایران و سرداران خلیفه، همه کارگران ابریشم‌کار در منطقه بیزانس و آتن را اسیر نمود و آنها را به سیسیل و پالمو آورد و بدان‌ها دستور داد برای او کار کنند. این احتمال نیز وجود دارد که در سیسیل که برای مدت‌ها تحت تسخیر مسلمانان بود، بافت ابریشم پیشتر از این نیز رواج داشته و در این دوره تنها نوغان‌داری رواج و گسترش یافته باشد (بولنوا، ۱۳۸۳، ۲۷۰-۲۶۹). اما مطمئناً اولین کارگاه‌های بافت ابریشم را راجر دوم، پادشاه سیسیل^{۱۸} (۵۴-۱۱۳۰م) در پلوپونز^{۱۹} برپا نموده است. راجر دوم پس از مدتی این بافندگان و پرورش دهندگان ابریشم را از یونان به پالمو آورد و بدین ترتیب صنعت ابریشم اروپا را پایه‌گذاری نمود (Lamont, Brown, 1992, 421). منسوجات، اولین هنر تزئینی ایتالیا بود که به استانداردهای بالایی دست یافت و با تعقیب مدل‌های شرقی، به بالاترین دوره توسعه خود دست پیدا نمود (Mack, 2002, 27). در ۱۲۹۶م. نوغان‌داری در سیسیل رواج داشت و این نوغان‌داری از لوکا به تمامی شبه جزیره، به ویژه ونیز، فلورانس، میلان و بولونیا انتقال یافت. کارگران لوکا که در نتیجه جنگ داخلی از خانه‌هایشان رانده شده بودند، کارگاه‌هایشان را در این شهرها برپا داشتند و از آن پس ایتالیایی‌ها انحصار تجارت ابریشم با فرانسه، آلمان و انگلستان را برای خود حفظ نمودند. تاجران ونیزی و لوکایی ضمن تولید ابریشم، انحصار تجارت آن از خاورمیانه را نیز در انحصار خود داشتند و هر محصولی که از شرق وارد می‌شد، از جمله پارچه‌هایی با نام تاتار (مغولی)، با حفظ نام اصلی مورد تقلید قرار می‌گرفتند (بولنوا، ۱۳۸۳، ۲۸۰-۲۷۹). در نتیجه سیسیل و جنوب ایتالیا نقشی بسیار مهم در زمینه انتقال سنت‌های بافت ابریشم بیزانسی، ایرانی و اسلامی به مراکز تولید شمال ایتالیا داشتند (Mack, 2002, 28).

در میان ابریشم‌های سیسیل، قطعه مشهور ردای تاجگذاری راجر دوم نیز وجود دارد که نقش آن، طرح حمله یک حیوان بر حیوان دیگر در دوسوی درخت زندگی و در حاشیه آن یک متن عربی مبنی بر تاریخ تولید آن نگاشته شده است. بدون شک این ردا از هنر پارچه‌بافی فاطمیان در مصر الهام گرفته و زردوی و نقوش اسلیمی و ... به آن هنر تعلق دارد (اتینگهاوزن و گرابر، ۱۳۷۸، ۲۵۵). گریشمن عقیده دارد که نقوش مربوط به برخی منسوجات فاطمی به ویژه شنل‌های پادشاهان و اسقف‌های مسیحی آن دوره از منسوجات ایران ساسانی الهام گرفته‌اند (گریشمن، ۱۳۷۰، ۳۱۳). بخشی از کفن هنری ششم، بافته‌ای زربفت است که الگویی از ردیف‌های افقی از زوج حیواناتی را دارد که توسط شاخه‌ها و برگ نخلی‌های مربوط به ابریشم‌های اسلامی را نشان می‌دهد (Mack, 2002, 29). همچنین نوشته‌هایی با خط عربی که مشخصاً پارچه‌بافی هنر اسلامی است، بر روی مدالیون‌ها در نقوش پارچه‌های قرون اولیه اسلام و دوران آل بویه و سلجوقی ایران که مقدم بر فاطمیان مصر بوده‌اند، مشاهده

نقش گل‌اناری، دارای منشأ مشخصی در شرق نیست؛ بسیاری آن‌را نتیجه ارتباط میان نقوش چینی و آسیای میانه می‌داند و بسیاری منشأ آن را نقوش ایرانی می‌دانند. اما در منسوجات این دوره ما با تکرار نقوش و ترکیب‌بندی مشابهی در تمامی منسوجات شرقی روبرو هستیم (Mack, 2002, 38).

در منسوجات دوره ایلخانی ما با تعدد رنگ‌ها روبرو نیستیم و غالباً به جای تضاد رنگ یا بافت، تنها تضاد میان زمینه و نقش زربفت وجود دارد (Mack, 2002, 45). به عنوان مثال در میان فهرست اموال پاپ در سال ۱۲۹۵ م. از یک پارچه تاتار از جنس مخمل و دارای نقش مدالیون‌های طلایی نام برده شده است (Mack, 2002, 44).

در حدود ۱۳۰۰ م. پارچه‌های تاتار بر هنر اروپا تأثیر بسیاری زیادی نهادند و حتی نفوذ هنری آن بر روی هنر ایتالیایی قرن چهاردهم میلادی، در قالب پیکره‌ها و لباس‌های مغولی دیده می‌شود (Mack, 2002, 18). جدول شماره ۱، تصاویر شماره ۱۲ و ۱۴ در مورد اهمیت و تأثیر پارچه‌های مغولی بر فرهنگ اروپای این دوره، اشاره به این نکته ضروری است که در سال ۱۲۹۷ م. در لیست هدایای سیاسی ایران به دربار پاپ، فهرستی از پارچه‌های ابریشمی دیده می‌شود و از طرفی گویسکارو در باستانی، سفیر فلورانسی و صد نفر از همراهان او در جشن ژوئیه ۱۳۰۰ م. در روم با لباس مغولی شرکت نمودند (Mack, 2002, 18).

طرح‌ها و نقوش منسوجات این دوره با استفاده از سبک‌های طراحی چینی، نوعی طبیعت‌گرایی و آزادی در طراحی نقوش و ترکیب‌بندی به چشم می‌خورد. از طرفی در منسوجات ایران دوره ایلخانی، نقوش متداول چینی (اژدها، سیمرغ، ابر چینی و ...) به صورت مستقل و یا تلفیقی با نقوش سنتی ایرانی و خط دیده می‌شود (جدول ۱، تصاویر ۱ تا ۸).

نساجی ایتالیا در قرون سیزدهم و چهاردهم میلادی

در این بخش، از انتظام تاریخی و دوره‌بندی متداول در تاریخ نساجی اروپا برای معرفی استفاده شده است.

ابریشم سیسیل

در ادبیات اعراب و نوشتار یهودیان از منسوجاتی که در سیسیل و در دوره تسلط اعراب تولید می‌شده‌اند، سخن رفته است. این امر با فتح فاطمیون مصر در سال ۸۳۷ م. آغاز و تا قرن یازدهم میلادی و تسلط نورمن‌ها بر این منطقه ادامه داشته است (Mack, 2002, 28).

تشخیص ابریشم‌های بافت سیسیل از نمونه‌های اسلامی و بیزانسی کار بسیار دشواری است. راجر دوم، پادشاه سیسیل و پسر راجر اول که در پایان سده یازدهم میلادی، سیسیل را از

پارچه‌های اروپایی می‌گردد و در نیمه قرن چهاردهم میلادی، با ابریشم‌های دارای پیکره‌های انسانی، شکارگران و داستان‌پردازی مذهبی روبرو هستیم (Harris, 1993, 168).

یکی از برداشتهای اروپاییان از پارچه‌های تاتار، طراحی‌های ظریفی بود که در آنها گیاهان و حیوانات و گل‌ها با تراکم زیاد در کنار یکدیگر و در تمامی ترکیب‌بندی تکرار می‌شدند.

همچنین در طی قرن چهاردهم، نقش ترنج در ایتالیا فراگیر شد. فرم آن بسیار متفاوت است، اما به‌طور بنیادی یک نقش متقارن دارای یک نقش مایه گیاهی نوک‌تیز ترنجی شکل یا مدالیون بیضی شکل است که معمولاً دو حیوان در درون و یا بیرون آن قرار گرفته‌اند (Mack, 2002, 38). در ایتالیای این دوران، بافت منسوجات مخمل دارای نقوش متحدالشکل و رنگ‌های متفاوت با شیوه‌ای جدید آغاز می‌شود.

و نیز به مرور شروع به تغییر طراحی‌ها و رقابت با پارچه‌های ایرانی می‌نماید، اما جنوا و فلورانس تا میانه قرن پانزدهم به تقلید از نقوش ادامه می‌دهند (Mack, 2002, 45). پس از این دوران، به واسطه تغییرات ناشی از رنسانس به تدریج نوعی نگاه ناشی از پرسپکتیو ابداع شده در آن روزگار و صحنه‌های واقع‌گرایانه به طراحی پارچه و نیز راه می‌یابد (Herald, 1982, 70). با این وجود شیوه‌های ترنج و گل‌اناری در ترکیب‌بندی‌های پارچه‌های ابریشمی ایتالیا در قرون شانزدهم نیز دیده می‌شود. حتی ترکیب‌گلدان گل در برگرفته شده توسط دو حیوان، یادآور نقوش قرن چهاردهم میلادی و ترکیب‌بندی‌های ایستای نمونه‌های ساسانی است (Harris, 1993, 174-175). و بسیاری از محققان تنها دوره پس از رنسانس را دوره گذر از نقوش شرقی به نقوش اروپایی می‌دانند (Dupont-Auberville, 1989, 17).

به طور کلی می‌توان گفت که به‌واسطه ارتباط تجاری میان ایتالیا و ایران طراحی و ترکیب‌بندی منسوجات ایتالیا تحت نفوذ ایران بوده است (جدول شماره ۱، تصاویر ۹ تا ۱۶). هرچند لازم به ذکر است که در این دوره، منسوجات دیگری همچون داماسک و تاپستری نیز در اروپا تولید می‌شد که به واسطه ساختار خود، دارای طرحی متفاوت از منسوجات غیراروپایی بودند.

بررسی تطبیقی منسوجات ایران ایلخانی و ایتالیا

به منظور بررسی نحوه تأثیرپذیری نقوش موجود در منسوجات ایتالیا از نقوش دوره ایلخانی ایران، در این مقاله یک بررسی تطبیقی انجام شده است.

ابتدا نمونه‌ها در یک جدول تواتر زمانی مرتب شده‌اند. جدول شماره یک تنها قصد دارد فضای ذهنی روشنی را برای خواننده پدید آورد و به او اجازه دهد تا دگرگونی‌های سیاسی ذکر شده در زمینه تاریخ و نمونه‌های منسوجات یاد شده در بخش منسوجات را در نوعی ساختار تصویری درک نماید.

در جدول شماره ۲ سعی شده تا ضمن ارائه اطلاعات مربوط به این منسوجات در سه بعد نقش‌مایه‌های مورد استفاده، ترکیب‌بندی و بهره‌برداری از مضامین یکسان مورد مقایسه قرار دهد.

می‌شود. در نقوش پارچه‌های سیسیل به کرات با نقوشی مشابه نمونه‌های موجود در پارچه‌های ایرانی که دارای ترکیب‌بندی متشکل از خطوط موازی که حدفاصل آنها با تصاویر گیاهی و جانوری پر شده است یا نمونه‌های توصیف شده آنها در نسخ خطی روبرو می‌شویم (Dupont-Auberville, 1989, 9).

ابریشم ایتالیا (۱۵۰۰-۱۳۰۰ م.)

در اواخر قرون وسطی، ایتالیا در بافت منسوجات ابریشمی و پشمی پیشگام بود. در ابتدا مرکز اصلی در لوکا قرار داشت، ولی در اواخر قرن چهاردهم و ابتدای قرن پانزدهم میلادی فلورانس و جنوا جای آن را گرفتند (Mola, 2000, 3). لوکا از قرن دوازدهم و به‌واسطه تبدیل شهر به یک جمهوری خودمختار و بستن معاهده‌ای با جنوا در ۱۱۵۳ که اجازه می‌داد تا منسوجات آنها به فرانسه راه یابد و قرارداد مشابهی با ونیز که متضمن ورود مواد خام از مدیترانه بود به نقطه تجاری بدل گشتند. از این‌رو لوکا به‌واسطه قدرت جنوا و اقتدار آن در فراهم آوردن مواد خام از سوریه و دریای خزر و پس از ۱۳۳۰ م. فراهم آوردن ابریشم ارزان‌تر از خود چین، به مقدم‌ترین مرکز در اروپا بدل شد (Mack, 2002, 30). اولین نقاشی‌های ایتالیایی که نفوذ بسیار زیاد منسوجات اسلامی را نشان می‌دهد، داستان‌های روایی فرانسوی آسیزی است که در حدود ۱۳۰۸ م. اجرا شده که در آن بسیاری از الگوهای هندسی اسلامی دیده می‌شود (Mack, 2002, 31).

از اوایل قرن چهاردهم میلادی، ایتالیایی‌ها تحت تأثیر منسوجات وارداتی از امپراطوری مغول، که در ارجاع به سرچشمه‌های اولیه آنها [پارچه تاتار] نامیده می‌شدند؛ بودند (Schoeser, Macdonald, 2007, 42).

این برخورد با منسوجات شرقی را باید نقطه عطف مجددی در طراحی منسوجات اروپایی دانست. پارچه‌هایی که طراحی منسوجات ایتالیایی را دچار تحول نمودند، پارچه‌های تاتار وارداتی از آسیای مرکزی، ایران و سوریه در زمان صلح مغول بودند که در میان آنها غالب پارچه‌ها، هدایای سیاسی ایلخانان اسرانی هستند که در ابتدا بر نقاشان و سپس بر طراحان منسوجات ایتالیایی تأثیر بسیار زیادی نهاد. معرفی اصول اولیه عدم تقارن و پویایی، قاصد گسست از قرن‌ها وابستگی به الگوهای دایره‌ای شکل هنر ساسانی بودند. پیش از این حیوانات در انتظامی متقارن و ایستای نشسته و به صورت مورب سازماندهی می‌شدند؛ اما در برخورد با این نقش‌مایه‌های جدید و زیبا، بافندگان ایتالیایی به اقتباس از آنها روی آوردند و شروع به تولید ابریشم‌هایی نمودند که در آنها نوعی همجوشی میان عناصر نقش مایه‌های اروپایی و نقش‌مایه‌های برگرفته از مدل‌های شرقی دیده می‌شد. حتی در طی قرن چهاردهم موتیف‌هایی از پرندگان سنتی، و حیوانات و بعضی از نقوش دیو مانند ملهم از فانتزی چینی موجود در منسوجات آسیای مرکزی و ایران وارد طراحی‌های اروپایی شد (Mack, 2002, 35).

در همین زمان برخی دیگر از موضوعات شرقی نیز وارد طراحی

نتیجه

فضای منفی به اندازه فضای مثبت در طراحی منسوجات ایتالیایی نیز مانند منسوجات ایلخانی قابل مشاهده است. از نقوش ایران ایلخانی می توان به نقش اژدها، سیمرغ و گل های نیلوفر و پرپر و ابرهای چینی اشاره کرد. مهم ترین اتفاقی که در زمینه طراحی منسوجات ایران دوران ایلخانی می افتد و به تبع آن منسوجات ایتالیا و اروپا را نیز تحت تأثیر خود قرار می دهد، طبیعت گرایی در طراحی نقوش و رهایی از ترکیب بندی های منظم و هندسی است. استفاده از نقوش ترنجی شکل نوک تیز را نیز باید رهاورد چین برای این دو هنر بر شمرد.

با توجه به پیش زمینه های بررسی شده در مناسبات سیاسی و تجاری میان ایران دوران ایلخانی و ایتالیای همزمان آن و نیز بررسی و تحلیل نقوش منسوجات می توان گفت که منسوجات ایتالیای قرون ۱۳ و ۱۴ میلادی کاملاً پیرو منسوجات ایرانی دوران ایلخانی بوده اند. این امر برای هنر نوپای ابریشم بافی ایتالیا نقطه اتکایی مبنی بر بافت منسوجات دارای درجه مقبولیت تجاری و تلاشی برای رقابت با منسوجات ایرانی محسوب می شده است. در رابطه با نقوش می توان اظهار داشت که اهمیت استفاده از

پی نوشت ها:

- ۱ زبردستان خان بزرگ در چین.
- ۲ Philippe Auguste.
- ۳ - منسوجات ارغوانی رنگ شده با قرمز دانه که بسیار گرانبها بود.
- ۴ Tripoli.
- ۵ Aleppo.
- ۶ Catalonia (Catalan).
- ۷ Venice (Venetian).
- ۸ Genoa (Genoese).
- ۹ Pisa.
- ۱۰ Pope Nicholas IV.
- ۱۱ در حقیقت فرقه اسماعیلیه آغازگر ارتباط با اروپا بوده اند.
- ۱۲ به معنای شریک در سهم یا سرمایه گذار.
- ۱۳ Ilkhan Teguder Ahmad.
- ۱۴ Ayas.
- ۱۵ Trebizond.
- ۱۶ بنا به گفته مسعودی، در حاشیه منسوجات اولیه اسلامی از خط پهلوی استفاده می شده که شاید نشانگر قدمت بیشتر این نوع طرح باشد.
- ۱۷ Feng Huang.
- ۱۸ Roger II of Sicily.
- ۱۹ Peloponnese.
- ۲۰ Lucca.

فهرست منابع:

- اتینگهاوزن، ریچارد و الگ گرابر (۱۳۷۸)، هنر و معماری اسلامی، ترجمه یعقوب آژند، انتشارات سمت، تهران.
اکرم، فیلیس (۱۳۶۳)، نساجی سنتی در ایران، قسمت دوم، ترجمه فروهر نورماه و زریندخت صابر شیخ، انتشارات سازمان صنایع دستی ایران، تهران.
الگروو مکداول، ج و رد بلیو، فریه (۱۳۷۴)، هنرهای ایران، ترجمه پرویز مرزبان، انتشارات فرزانه، تهران.
بلر، شیلا و جان اتان بلوم (۱۳۸۱)، هنر و معماری اسلامی (۲)، ۱۸۰۰-۱۲۵۰، ترجمه یعقوب آژند، سمت، تهران.

بولنوا، اوس (۱۲۸۳)، راه‌ابریشم، ترجمه: ملک ناصر نوبان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.
 بنی احمد، احمد (۱۳۴۶)، راهنمای تاریخ شاهنشاهی ایران، انتشارات شورای مرکزی جشن شاهنشاهی ایران، تهران
 بیانی، شیرین (۱۳۷۹)، مغولان و حکومت ایلخانی در ایران، انتشارات سمت، تهران
 بیکر، پاتریشیا (۱۳۸۵)، منسوجات اسلامی، ترجمه مهناز شایسته فر، انتشارات مؤسسه مطالعات هنر اسلامی، تهران.
 پطروشفسکی، ای. پی. و جی. آ. بویل (۱۳۸۵)، تاریخ ایران کیمبریج از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی ایلخانان، ترجمه حسن انوشه، جلد پنجم، انتشارات امیرکبیر، تهران.

پوپ، آرتور اپهام (۱۳۸۰)، شاهکارهای هنر ایران، ترجمه پرویز نائل خانلری، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
 پیگولوسیکا و دیگران (۱۳۵۴)، تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان سده هجدهم میلادی، ترجمه کریم کشاورز، انتشارات پیام، تهران.
 دایمند، ام. اس (۱۳۶۵)، راهنمای صنایع اسلامی، ترجمه عبدالله فریار، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
 دونان و دیگران (۱۳۸۳)، تاریخ جهان لاروس، جلد اول، روزگار باستان و قرون وسطی، ترجمه: امیر جلال اعلم، انتشارات سروش، تهران.
 روح فر، زهره (۱۳۸۰)، نگاهی بر پارچه بافی دوران اسلامی، انتشارات سمت، تهران.
 روح فر، زهره (۱۳۸۴)، پارچه بافی دوران ایلخانی، دو فصلنامه مطالعات هنر اسلامی، سال دوم، شماره سوم، پاییز - زمستان ۱۳۸۴.
 رویمر، هانس روبرت (۱۳۸۰)، ایران در راه عصر جدید: تاریخ ایران از ۱۲۵۰ تا ۱۷۵۰، ترجمه آذر آهنگی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
 سایکس، سرپرسی (۱۳۷۰)، تاریخ ایران، ترجمه سید محمد تقی فخر داعی گیلانی، انتشارات دنیای کتاب، تهران.
 سیمز، الینور و احسان یارشاطر (۱۳۸۳)، پوشاک در ایران زمین، ترجمه پیمان متین، انتشارات امیرکبیر، تهران.
 شرآتو، امبرتو، گروبه، ارنست (۱۳۸۴)، هنر ایلخانی و تیموری، ترجمه: یعقوب آژند، انتشارات مولی، تهران.
 فربود، فریناز و محمدرضا پورجعفر (۱۳۸۶)، بررسی تطبیقی منسوجات ایران ساسانی و روم شرقی (بیزانس)، مجله هنرهای زیبا، شماره ۳۱، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، صص ۷۶-۶۵.

کریستی ویلسن، ج (بی تا)، تاریخ صنایع ایران، ترجمه عبدالله فریار، انتشارات فرهنگسرا، تهران.
 کورز، احسان یارشاطر (۱۳۷۷)، تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دوران ساسانیان، جلد سوم - قسمت اول و سوم، ترجمه انوشه، انتشارات امیرکبیر.
 گیرشمن، رومان (۱۳۵۰)، هنر ایران در دوران پارتی و ساسانی، ترجمه بهرام فره وشی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران.
 لکهارت، لارنس (۱۳۸۴)، تاریخ ایران دوره صفویان، ترجمه: یعقوب آژند، انتشارات امیرکبیر، تهران.
 محمد حسن، زکی (۱۳۶۳)، تاریخ صنایع ایران، ترجمه محمد علی خلیلی، انتشارات اقبال، تهران.
 هال، مری، (۱۳۸۰)، امپراتوری مغول، ترجمه نادر میرسعیدی، انتشارات ققنوس، تهران.

Amitai-Preiss, Reuven (1995), *Mongols and Mamluks: The Mamluk-Ilkhanid War, 1260-1281*, Cambridge University press, Cambridge.

Bloom, Jonathan and Sheila Blair (1997), *Islamic Art*, Phaidon Press, London.

Canby, Sheila R. (1999), *The Golden Age of Persian Art, 1501 - 1722*, British museum press, London.

Dupont, M., Auberville (1987), *Classic Textile Designs*, Bracken Books, London.

Fredric dale, Stephan (1994), *Indian merchant and Eurasian trade 1600-1750*, Cambridge university press, Cambridge.

Griggs, C. Wilfred, Reuven Amitai-preiss, David Morgan (2000), *The Mongol empire and its legacy*, Brill, London.

Harris, Jennifer (1993), *5000 years of textiles*, British museum press, London.

Ingram, Edward (1984), *In Defense of British India: Great Britain in the Middle East*, Routledge, London.

Komaroff, Linda, Stefano Carboni (1998), *The Legacy of Genghis Khan (Courtly Art and Culture in Western Asia), 1256- 1353*, The Metropolitan Museum of Art, Yale University Press, New York, New Haven.

Lambert, Tim (2002), *A brief history of Italy*, <http://www.localhistories.org>.

Lamont Brown, Peter, peter Brown (1992), *power and persuasion in late antiquity: towards a Christian Empire*, University of Wisconsin press, Wisconsin.

Mack, Rosamond E. (2002), *Bazaar to piazza*, University of California Press, Los Angeles.

Mola, Luca (2000), *the silk industry of renaissance Venice*, JHU press, New York.

Pope, Arthur Upham (1971), *A Survey of Persian Art*, Vol. XII, Oxford University Press, Oxford.

Safra, Jacob. (2003), *Encyclopedia Britannica*, Encyclopedia Britannica inc. London.

Schoeser, Mary, Julien Macdonald, Bruno Marcandalli (2007), *Silk*, Yale University press, New Haven.